

تحول مبنای مسئولیت اشخاص فاقد تمیز و تأثیر آن بر قواعد عمومی مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه و ایران

علیرضا یزدانیان*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

یکی از مسائل بحث‌برانگیز تعهدات، مسئولیت اشخاص فاقد تمیز است. سؤال است که آیا غیرتمیز مسئولیت دارد و در فرض مسئولیت، مبنای آن تقصیر است؟ زیرا با تعیین تکلیف این موضوع، مبنای مسئولیت در فرانسه و دیگر رژیم‌های رومی ژرمنی از جمله ایران روشن می‌شود؛ بحثی که در دکتترین و رویه مسئله پرحاشیه بوده، چنانکه قانونگذار فرانسه مجبور به مداخله شده است. اما با وجود مداخله قانونگذار نه تنها ابهام‌ها کمتر نشده، ابهام‌های دیگری افزون شده است. از سویی بحث مزبور و تعیین تکلیف درباره آن بر مبنای قواعد عمومی مسئولیت مدنی بی‌تأثیر نیست، زیرا با بیان مبنای مسئولیت غیرتمیز، تکلیف پذیرش مفهوم سستی یا عینی تقصیر روشن و تکلیف نظام حقوقی در انتخاب بین مفهوم عینی و شخصی تقصیر مشخص می‌شود. در حقوق ایران نیز تعیین مبنای ضمان در ماده ۱۲۱۶ ق.م.ب.بازخوانی مفهوم تقصیر در قواعد عمومی بی‌تأثیر نیست. چنانکه در اتلاف نیازی به تقصیر نیست، اما در تسبیب با فرض اعتقاد به لزوم تقصیر، اگر تقصیر به مفهوم شخصی بوده و تمیز در تقصیر نقش داشته باشد، مبنای مسئولیت صغیر در تسبیب یا مبنایی به‌غیر از تقصیر است یا باید اعتقاد به عدم مسئولیت وی داشت. اما اگر تمیز نقشی در تقصیر نداشته باشد و مفهوم نوعی پذیرفته شود، شخص غیرتمیز می‌تواند به‌صورت تسبیب نیز مسئول باشد. به‌عبارتی اگر مبنای مسئولیت شخص غیرتمیز، تقصیر نباشد، می‌تواند بیانگر پذیرش تقصیر شخصی باشد و در این صورت تمیز شرط ارتکاب تقصیر است. اما اگر مسئولیت غیرتمیز در ماده ۱۲۱۶ مبتنی بر تقصیر باشد، نشان از پذیرش نظریه نوعی تقصیر دارد و در ارتکاب تقصیر نیازی به تمیز و شرایط عامه تکلیف نیست. از سویی مطالعه سیر تحولی حقوق فرانسه می‌تواند در شیوه تفکر دکتترین و رویه ایران در تفسیر ماده ۱۲۱۶ ق.م. مؤثر واقع شود که در این مقاله با روش توصیفی و تجزیه و تحلیل کتابخانه‌ای با مطالعه تطبیقی انجام خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: انتساب، تقصیر، تمیز، تعهد، مسئولیت.

* Email: a.yazdaniyan@ase.ui.ac.ir

۱. مقدمه

در تعریف سنتی، تقصیر یعنی فعل نامشروع قابل انتساب به فاعل^۱ (Mazeud, T2, 1978: 438; Jourdain, 2011: 7) یعنی فعلی اخلاقاً قابل سرزنش (Jourdain, 2011: 8). در تعریف مزبور «عنصر معنوی یا روانی قابلیت انتساب و تمییز»^۲ از عناصر مهم است (شهیدی، ۱۳۹۰: ۲۲۷) که عبارت است از ادراک (سنهوری، ۱۹۹۸، ج ۱: ۹۰۳)، تمییز (نقیب، ۱۹۸۴: ۱۴۲) یا قابلیت انتساب فعل به فاعل (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ج ۱: ۲۹۲). بنابراین دیوانه، صغیر و اشخاص حقوقی نمی‌توانند مرتکب تقصیر شوند.^۳ در حقوق اسلامی از صغیر و مجنون رفع قلم شده، اما در اینکه چه چیزی برداشته شده، اختلاف است؛^۴ در فرانسه دو دسته فاقد تمییزند: مجنون و صغیر غیرمتمیز

1. un fait illicite imputable à son auteur 2. élément subjectif, l'imputabilité

۳. انتساب از واژه لاتین *imputare* یعنی به حساب آوردن گرفته شده است و در حقوق یعنی آگاهی و درک شخص از فعل (Fabre-Magan, 2007: 179). تفاوت «قابلیت انتساب» (*L'imputabilité*) با «سببیت» (*La causalité*) این است که در سببیت بحث بر سر امکان ارتباط و رابطه مادی و عینی گونه بین خسارت و فعل فاعل است. درحالی که در قابلیت انتساب بحث بر سر امکان منسوب ساختن و ایجاد ارتباط بین فاعل و فعل است. قابلیت انتساب مفهومی روان‌شناسی و روحی و روانی است که به عنوان شرط ذهنی و روانی مسئولیت مبتنی بر آزادی فاعل در ارتکاب فعل زیانبار است. در انتساب فعل به فاعل فرض است که قبلاً رابطه سببیت احراز شده که انتساب بتواند متکی به آن باشد؛ اما این رابطه فراتر از رابطه مادی و مکانیکی است (Viney et al., 2013: 239)؛ البته گاهی هر دو واژه خلط می‌شوند. مانند فرضی که در تصادفات در فرانسه مطرح شده که از عبارت «قابلیت انتساب خسارت به حادثه» (*L'imputabilité du dommage à l'accident*) استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد نوعی خلط مسئولیت کیفری و مدنی نیز باشد. مطابق فلسفه دینی و مذهبی الهام‌بخش قانون مدنی فرانسه، نمی‌توان شخصی را سرزنش کرد، مگر نسبت به اعمال مورد اراده وی. لزوم عنصر انتساب، به مسئولیت، مفهومی اخلاقی‌گرایانه بخشیده، به این ترتیب، تقصیر دارای دو رکن است: اول از نظر مادی و عینی رفتاری ناشایسته و دوم توانایی تمییز. چنین تعریفی متضمن نتایجی است: فقدان مسئولیت اشخاص محروم از تمییز و نفي مسئولیت اشخاص حقوقی (Flour et al., T2, 2001: 94). نکته دیگر اینکه اگرچه در حقوق فرانسه درباره مبنای مسئولیت نظرهای فراوانی ارائه شده، ماده ۱۲۴۰ ق.م.ف، که درباره مسئولیت ناشی از فعل شخصی و مبتنی بر تقصیر است، به نظر حقوقدانان، از بهترین مواد قانون مدنی است (Martin, 1896: 295). در تصمیم ۲۲ اکتبر ۱۹۸۲ در شورای قانون اساسی فرانسه برای این ماده ارزش بنیادین در نظر گرفته شده است (Lecourt, 2008: 202; Porchy-Simon, 2006: 285; Jourdain, 2011: 4).

۴. آیا باید «مؤاخذه» را در تقدیر گرفت یا «آثار» را (حیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۲)؛ به نظر برخی آثار (انصاری، ۱۳۳۲: ۲۸۰؛ طباطبایی بروجردی، ۱۴۱۲ق، ج ۴: ۲۰۷؛ حسینی شیرازی، ۱۴۰۹: ۷۸: ۱۸۰). برخی نیز معتقدند احکام تکلیفی مرتفع، اما احکام وضعی محل تردید است. برخی معتقدند شامل احکام وضعی نیست (محقق داماد، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۳۸) و برخی، احکام وضعی را نیز مرتفع دانسته‌اند (حیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۳). از نظر تحلیلی اگر منظور حدیث، احکام تکلیفی باشد، با توجه به وضعی بودن احکام مسئولیت مدنی (قاسم‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۲۰) و عدم نیاز به شرایط عامه تکلیف (بادینی، ۱۳۸۴: ۱۷۰)، حکم به محکومیت صغیر و مجنون ممکن است. اما اگر حدیث شامل احکام وضعی باشد، احتمال تعارض بین حدیث و مسئولیت غیرمتمیز هست. با وجود این به فرض شمول بر احکام وضعی باید گفت تعارض متفی است، زیرا ظاهر روایت تفضل و امتنان بر مردم بوده (حیدری، ۱۳۷۱: ۱۶۳)، اختصاص به مواردی دارد که رفع اثر، منافاتی با امتنان ندارد، زیرا اگر غیرمتمیز سبب خسارت گردد، و مسئولیت مرتفع شود، هرچند این امر سبب امتنان بر فاعل یعنی صغیر و مجنون است، اما فقدان مسئولیت، سبب مشقت زیان‌دیده بوده و این امر، با امتنان منافات دارد (انصاری، ۱۳۳۲: ۲۸۰). در چنین وضعیتی، علم حقوق، زیان‌دیده را که عملی

(Fabre-Magan, 2007: 167). باید اشخاص با حالت صرع یا حملات قلبی نیز، اضافه شود (Starck, 1972: 141). یکی از مسائل در فرانسه، مسئله تأثیر معلولیت‌های ذهنی در تعیین میزان احتیاط، تلاش و مهارت مورد نیاز در مسئول است. مسئله این است که آیا عدم تمیز، در وجود تقصیر یا حداقل در رفتار فاعل برای پاسخگویی از نظر مدنی تأثیر دارد یا نه. آیا توانایی فرد در درک دامنه اعمال خود و کنترل رفتار خود که اساس «قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی»^۱ است، شرط تحقق مسئولیت مبتنی بر تقصیر است؟ پاسخ داری منفعت عملی است؟ در ایران ماده ۱۲۱۶ با اقتباس از حقوق اسلامی (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۳: ۲۵۹) به ضمان مجنون و صغیر اشاره ش، ولی به امکان ارتکاب تقصیر اشاره نشده است.^۳ در فرانسه، مسئولیت افراد محروم از تمیز، مدت‌هاست که بحثی جنجالی ایجاد کرده و علاقه دکترین به مسئله به مناسبت تغییراتی که در راه‌حل‌های قبلی توسط قانون شماره ۳۶۸۵ ژانویه ۱۹۶۸ در خصوص وضعیت «بزرگسالان فاقد تمیز» به وجود آمده، دوباره احیا شده است. متن این قانون در ماده ۴۸۹-۲ قانون مدنی و با قانون شماره ۳۰۸-۲۰۰۷ مورخ ۵ مارس ۲۰۰۷ در قالب ماده ۴۱۴-۳ منعکس شده است که طبق آن «شخصی که در حالت اختلال روانی به شخص دیگری خسارت

مرتکب نشده، اما از شوربختی در معرض ضرر بوده، بر فاعل که فعلی را بدون تمیز مرتکب شده، مقدم داشته است، فاعل را مسئول می‌داند. بنابراین حکم به مسئولیت غیرممیز منافاتی با حدیث رفع ندارد و علی‌رغم اختلافات (موسوی الخوئی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۴۳۶) حکم به مسئولیت مدنی این اشخاص دور از واقع نیست (نجفی، ۱۳۶۵، ج ۴۲: ۱۸۲ و ۱۸۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۴۳: ۵۱).

1. l'imputabilité morale

۲. پذیرش مفهوم گسترده مسئولیت مبتنی بر تقصیر و عاری از هرگونه ملاحظه ذهنی و بدون شرطیت قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی، امکان استفاده از قواعد عمومی مسئولیت مدنی را برای تصمیم‌گیری به نفع زیان‌دیدگان درباره جبران خسارت ناشی از عمل غیرممیز فراهم می‌کند. برعکس، مفهوم مضیق یعنی شرطیت قابلیت انتساب به انکار هرگونه جبران خسارت زیان‌دیدگان یا اجرای اصولی غیر از قواعد عمومی مسئولیت برای توجیه جبران منجر می‌شود. اما مستقل از پیامدهای عملی، به نظر می‌رسد حل مسئله از نظر تئوریک نیز اهمیت دارد، زیرا نه تنها مفسر را درباره تعریف تقصیر و نقش آن در مسئولیت مدنی راهنمایی می‌کند، بلکه عناصر مفیدی برای ارزیابی استقلال «تقصیر مدنی» در زمینه «تقصیر کیفری» فراهم می‌کند. چنانکه حذف انتساب از مسئولیت مدنی اجازه می‌دهد تقصیر کیفری از تقصیر مدنی متمایز شود، زیرا در تقصیر کیفری تمیز و آگاهی شرط است (Le Tourneau & Cadet, 1998: 754 ; Benabant, 2007: 386). بررسی سیستم‌های حقوقی تمایل دوگانه‌ای را نشان می‌دهد. از یک سو، کراهت و انزجار عمومی حقوق مدرن در تأیید ماهیت مقصرانه عمل غیرممیز، از طرف دیگر جبران حداقل جزئی خسارت زیان‌دیده براساس ملاحظات انصاف. البته بر اداره این جبران، اصول خاصی حاکم است، زیرا تعهد غیرممیز در مقایسه با تعهداتی که زیان‌دیده می‌تواند از راه دیگری از آنها بهره‌مند شود، اغلب «علی‌البدل» (subsidaire) است. به عبارت دیگر میزان تعهد غیرممیز در جبران خسارت، به صلاح‌دید قاضی و با لحاظ اوضاع و احوال تحقق خسارت و اوضاع اقتصادی و اجتماعی طرفین است.

۳. از سویی جبران از دو باب اتلاف و تسبیب مطرح و به نظر برخی تسبیب به سبب با واسطه بودن نیازمند امکان انتساب از طریق تقصیر است. با اعتقاد به ضرورت تمیز و نفی امکان تقصیر از سوی غیرممیز، ضمان ماده ۱۲۱۶ فقط از طریق اتلاف بوده (بادینی، ۱۳۸۸: ۸۴)، ولی با اعتقاد به مفهوم عینی تقصیر و امکان ارتکاب تقصیر غیرممیز، ماده شامل تسبیب نیز است (قاسم‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۴۷).

وارد کرده است، متعهد به جبران خسارت است»^۱.

۲. بررسی وضعیت دکترین و رویه در حقوق فرانسه پیش از اصلاحات قانونگذاری

در آستانه اصلاحات ۱۹۶۸ دکترین درباره تأثیر عدم تمییز بر مسئولیت به چند گروه تقسیم می‌شدند و رویه قضایی اگرچه موضع روشنی اتخاذ کرد، با وجود این راه‌حل‌های متعددی را پذیرفت که عدم انسجام و تردید رویه را نشان می‌داد (Viney *et al.*, 2013: 684; Starck, 1972: 141).

۲.۱. تقسیم دکترین بین طرفداران مفهوم ذهنی و عینی تقصیر مدنی

بین دکترین درباره مفهوم تقصیر و نفوذ تمییز بر آن، دو گرایش متضاد متبلور شد. درحالی‌که اکثریت به مفهوم کلاسیک که «تقصیر مدنی» را به‌عنوان جنبه ذهنی با منوط کردن آن به شرط قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی فعل به فاعل تلقی می‌کرد، وفادار مانده بودند و با امکان

۱. این متن پاسخ صریح نداده که آیا غیرممیز می‌تواند مرتکب تقصیر شود یا نه، اما برای جبران خسارت واقع‌شده تحت تأثیر «اختلال روانی» یک راه‌حل متفاوت ارائه داده که می‌توان از خود پرسید آیا قانونگذار با این کار، اصل قبلی را که رویه مبتنی بر آن بوده (اصل ناتوانی شخص غیرممیز در ارتکاب تقصیر یا فقدان قابلیت انتساب تقصیر مدنی به غیرممیز) نقض نکرده است. بدیهی است برای درک دامنه این اصلاحات و وضعیت حقوق فعلی، باید وضعیت پیش از تدوین این مقرره تشریح شود (Viney *et al.*, 2013: 684). با تصویب ماده مشکلات قبلی حل نشد، زیرا به‌مجنون بزرگسال پرداخته و اعمال آن بر دیگر اشخاص غیر ممیز معلوم نیست (Starck, 1972: 141). در حقوق ایران نیز می‌توان همین بحث را مطرح کرد که آیا طبق ماده ۱۲۱۶ غیرممیز فقط توان مسئولیت داشتن دارد یا توان ارتکاب تقصیر نیز دارد. بدون شک پاسخ به این پرسش در تفسیر ماده مزبور و در نتیجه در تفسیر قواعد عمومی مسئولیت اثر دارد، زیرا اگر غیرممیز توان ارتکاب تقصیر نداشته باشد و فرض بر این باشد که در تسبیب برای انتساب مسئولیت نیاز به تقصیر باشد (همان‌گونه که تحقق مسئولیت در مواد ۳۳۱ تا ۳۳۵ نوعاً نیازمند تقصیر است)، مسئولیت مندرج در ماده ۱۲۱۶ محدود به اتلاف است نه تسبیب. اما اگر غیرممیز بتواند مرتکب تقصیر شود، در نتیجه ماده ۱۲۱۶ شامل اتلاف و تسبیب خواهد بود. نکته دیگر اینکه اگر پذیرفته شود که غیرممیز توان ارتکاب تقصیر دارد، معلوم خواهد شد که در قواعد عمومی مسئولیت، مفهوم نوعی و عینی تقصیر پذیرفته شده نه مفهوم شخصی و در نتیجه مسئولیت اشخاص بالغ بدون اراده مانند مست و شخص خواب به‌آسانی قابل پذیرش است. درباره مسئولیت شخص فاقد تمییز بحث‌ها کم نیستند (بادینی، ۱۳۸۸: ۸۳؛ قاسم‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۱۸؛ مرادزاده، ۱۳۸۹: ۲۰۸)، اما در اینجا بیشتر سیر تحولات فرانسه و تأثیر آن بر قواعد عمومی را بررسی می‌کنیم. بدیهی است مطالعه تطبیقی به دو صورت «تطبیق جزئی» (Microcomparaison) و «تطبیق کلان» (Macrocomparaison) است (Jaluzot, 2005: 46) که روش تطبیق جزئی یعنی مطالعه نهادها بین رژیم‌های حقوقی می‌تواند در اصلاحات قانونی اثر بگذارد و نگرش‌ها و استدلال‌های مطرح در این سیر تحولی می‌تواند بر بینش و شیوه استدلال در دکترین و رویه پیرامون ماده مؤثر واقع شود. از سوی دیگر، مقالات موجود در ایران کمتر به‌صورت خاص تحولات قانونی، دکترین و رویه فرانسه را دنبال کرده و کمتر به تقصیر زیان‌دیده غیرممیز پرداخته‌اند.

محکومیت غیرممیز بر مبنای تقصیر ناسازگاری نشان می‌دادند، این موضع به شدت توسط بخش تأثیرگذار دکترین مورد مناقشه قرار گرفت.^۱

۲.۲. رویه قضایی فرانسه

محاکم اگر نه درباره تعریف تقصیر، حداقل درباره استعداد غیرممیز برای ارتکاب تقصیر مجبور به اتخاذ موضع شدند. آنها اصل عدم مسئولیت مدنی غیرممیز را مطرح کردند که این اصل با برخی تسکین‌دهنده‌ها اصلاح شد و مشمول برخی استثنائات قرار گرفت (Viney et al., 2013: 685) که اصل و اصلاحات آن بررسی می‌شود.

۲.۲.۱. نقش رویه قضایی فرانسه در ایجاد اصل عدم مسئولیت مدنی غیرممیز

دیوان عالی فرانسه در اوایل سده گذشته، درباره خسارات وارده توسط دیوانه، اصل عدم مسئولیت مدنی غیرممیز را اعلام کرد (Cour de cassation 21 octobre 1901). این ایده از فلسفه فردگرایانه و لیبرال حاکم بر سده نوزدهم الهام گرفته که مسئولیت را به آزادی انسانی پیوند داد، این راه‌حل مورد تأیید دکترین آن زمان نیز بود (Jourdain, 2014: 74)^۲

۱. به دنبال هنری و لئون مازو (Henri et Léon Mazeaud) که در نسخه‌های پیاپی رساله بزرگ مسئولیت مدنی خود، مفهومی «عینی» (objective) از «تقصیر مدنی» را توسعه دادند و تقصیر را به نقض یک قاعده رفتاری به مفهومی انتزاعی تبدیل و از اصل توان اشخاص غیرممیز در ارتکاب تقصیر دفاع کردند، این برداشت توسط آندره تنک (André Tunc)، خاویر بلان ژووان (Xavier Blanc-Jouvan)، گابریل مارتی (Gabriel Marty) و پیر رنو (Pierre Raynaud) در رساله تعهدات منتشره در ۱۹۶۲ و نونل دژان دولا باتی (Noël Dejean de La Bâtie) در تر خود درباره «ارزیابی انتزاعی و ارزیابی شخصی در حقوق مدنی فرانسه» مورد حمایت قرار گرفت (Dejean de La Bâtie, 1266: 298). بنابراین در ۱۹۶۸ تأثیر این روند دکترینی اگر غالب نبوده باشد، بسیار مهم شده بود (Viney et al., 2013: 685).

۲. از جمله دلایل پذیرش این رویه تأثیر ماده ۶۴ قانون مجازات قدیم بود که «جنون» را موجب عدم قابلیت انتساب می‌دانست و دلیل دیگر اصل «غلبه و اولویت امور کیفری بر مدنی» (primauté du criminel sur le civil) بود (Viney, 1995: 225). سپس درباره مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 11 mars 1958: 113-Piret, 1965, N° de pourvoi: 62-13-225) و همچنین مسئولیت نگه‌دارنده شیء یا حیوان تأیید شد (Starck, 1972: 143184). رویه، درباره کودکان غیرممیز، اصل ناسازگاری تقصیر با عدم تمیز را اعمال کرد و سبب شد تا تفکیکی براساس پیشرفت توانایی فکری آنها ترسیم شود. رویه پذیرفت که کودک اصولاً مسئول خسارت است، مگر غیرممیز باشد (Cour de Cassation, Chambre civile 3, du 30 octobre 1969) و تشخیص تمیز برای پذیرش تقصیر به قاضی واگذار شد. سپس اصلی که فقدان تمیز را دلیل عدم انتساب قرار می‌داد، در فروضی اعمال شد که این حالت از بیماری جسمی ناشی می‌شد (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 17 février 1966). نیز فقدان مسئولیت مدنی اشخاص فاقد تمیز برحسب دکترین کلاسیک به دلیل شرطیت «قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی» در مفهوم تقصیر بیان می‌شد (Viney et al., 2013: 686 et Benabant, 2007: 385). در حقوق ایران وجود چنین اصلی در فقه و قانون مدنی منتفی است، زیرا در فقه علی‌رغم حدیث رفع، ضمان غیرممیز پذیرفته شده و ماده ۱۲۱۶ به صراحت مسئولیت را پذیرفته و فقط در امکان ارتکاب تقصیر توسط غیرممیز ابهام است، البته در فرانسه نیز اصل عدم مسئولیت غیرممیز به تدریج رو به زوال نهاد که در قسمت بعد مطرح می‌شود.

۲.۲.۲. نقش رویه قضایی در تسکین بخشی و انعطاف پذیر کردن اصل عدم مسئولیت با افزایش تعداد موارد جبران خسارت زیان دیدگان ناشی از فعل غیر ممیز

در حالی که رویه در امتناع خود از «انتساب» تقصیر به شخص فاقد تمییز، قاطعانه باقی ماند، اما رویه پیش از ۱۹۶۸ تلاش زیادی برای جبران خسارت زیان دیدگان ناشی از عمل غیر ممیز انجام می داد؛^۱ اولاً، رویه سعی در ارائه تعریف محدودی از «فقدان تمییز» داشت که این تعریف احراز این حالت را دشوار و امکان طفره از اعمال اصل عدم مسئولیت را درباره افراد کم توان ذهنی که کاملاً از عقل محروم نبودند، فراهم می کرد؛^۲ ثانیاً رویه با پذیرش آسان مسئولیت به جهت تقصیر در مراقبت (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 18 octobre 1967) یا ایجاد موارد خاص مسئولیت ناشی از عمل غیر، مسئولیت «خویشاوندان» مراقب غیر ممیز را به حداکثر رساند؛^۳ ثالثاً دادگاهها با توسل به مفهوم «تقصیر قبلی»^۴ ارتکاب یافته توسط غیر ممیز، حکم به مسئولیت افرادی دادند که تحت تأثیر استعمال مشروبات الکلی یا مواد مخدر (تقصیر قبلی) عملی انجام داده و موجب خسارت شده بودند.^۵ سرانجام با صدور رأی شایان توجه در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۶۴ (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 18 décembre 1964) شعبه دوم مدنی دیوان عالی با استناد به مفهوم مسئولیت ناشی از فعل اشیا تصمیم گرفت که وجود

۱. نتایج ناعادلانه فقدان مسئولیت غیر ممیز هویدا شد، به نحوی که با تلاش رویه، زیان دیدگان ناشی از عمل مجنون توانستند به جبران نائل شوند (Jourdain, 2014: 74) اصل فقدان مسئولیت غیر ممیز هم مورد انتقاداتی بود. چنانچه عدم محکومیت غیر ممیز به نوعی محکوم کردن زیان دیده بود و دادگاهها دنبال یک مهندسی بودند تا خسارت را جبران کنند (Starck, 1972: 143)

۲. با تعریف مضیق فقدان تمییز، اصل فقدان مسئولیت درباره اشخاصی که کاملاً فاقد عقل نبودند و فقط از توان ذهنی کمی برخوردار بودند، اعمال نمی شد و در حالت نیم دیوانگی مسئولیت پذیرفته می شد (Weill & Terré, 1975: 685). به این ترتیب به ندرت اتفاق می افتاد شخصی در حالت دیوانگی کامل باشد و بنابراین نوعاً از زیان دیده جبران خسارت می شد (Starck, 1972: 146). اگر سو سوایی از عقل بود، مسئولیت پذیرفته می شد و اشخاصی که نه دیوانه، بلکه فقط غیر عادی بودند، مسئول بودند (Flour et al., T2, 2001: 94).

۳. مسئولیت ناشی از عمل غیر، به جهت تقصیر در مراقبت گسترش یافت، مانند مسئولیت مؤسسه درمانی در اجازه خروج دیوانه ای که کاملاً معالجه نشده بود (رأی ۱۸ ژانویه ۱۹۶۲ دیوان) (Starck, 1972: 144). گسترش مسئولیت ناشی از عمل غیر، نقش تسکین دهنده داشت و تلاش محاکم این بود راهی بیابند تا مسئولیت بر فاعل تحمیل شود (Starck, 1972: 145).

4. faute antérieure

۵. این روند اجازه می داد کسانی محکوم شوند که می توانستند اختلالات روانی خود را با مراقبت هایی که از آن غافل شده بودند، خنثی کنند. چنین استدلال می شد شخصی که اقدام به شرب خمر یا استفاده از مواد مخدر کند، سپس تحت تأثیر چنین حالتی سبب اضرار گردد، مرتکب تقصیر قبلی شده و با گسترش مفهوم سببیت، چنین شخص فاقد تمییزی، مسئولیت دارد (Weill & Terré, 1975: 685). البته تردید شده که چنین تقصیری می تواند سبب قطعی خسارت باشد؟ (Starck, 1972: 145).

حالت «اختلال روانی» به نگره دارنده شیء یا حیوان اجازه فرار از مسئولیت نمی دهد (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 1 mars 1967).

۳. بررسی وضعیت دکترین و رویه در حقوق فرانسه پس از اصلاحات قانون ۳ ژانویه ۱۹۶۸ و تأثیر تقنین بر مسئولیت غیرممیز

ناعادلانه بودن فقدان مسئولیت مجنون، قانونگذار را به مداخله سوق داد (Jourdain, 2014: 74) و ظهور ماده ۴۱۴-۳ ق.م مبنی بر «شخصی که در حالت اختلال روانی به شخص دیگری خسارت وارد کرده است، متعهد به جبران خسارت است»، مورد اظهارنظرهای فراوانی قرار گرفت (Mazeud, T2, 1978: 433). مهم ترین دکترین ها در تفسیر آن شکل گرفت. البته با توجه به مسائل عملی مطرح ناشی از کاربرد آن، رویه باید موضع می گرفت (Viney et al., 2013: 689).

۳.۱. تقسیم دکترین و تفسیرهای دکترینی از قانون

درباره قانون مذکور، تفسیرهای دکترینی متعددی شکل گرفت؛ آیا ماده ۴۱۴-۳ اصولی را که قبلاً توسط رویه درباره ناتوانی غیرممیز در پاسخگویی به تقصیرات مطرح شده بود، تغییر داد؟ آیا عنصر ذهنی تقصیر حذف شده است؟ مفسران تلاش کردند به این پرسش ها بدون رسیدن به اتفاق نظر، پاسخ دهند (Viney et al., 2013: 689).

۱. با توجه به رویه موجود که مسئولیت ناشی از اشیا را درباره دیوانه می پذیرفت و با لحاظ اینکه دیوانه نمی توانست مراقب دیگری باشد تا مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر، محقق شود، فقط مسئولیت ناشی از فعل شخصی دیوانه تحت شمول اصل فقدان مسئولیت قرار می گرفت (Weill & Terré, 1975: 686). این تمهیدات تسکینی بود که اصل عدم مسئولیت غیرممیز را تعدیل و تسکین می کرد و تا حدودی خسارت زیان دیدگان ناشی از فعل غیرممیز جبران می شد. در ایران ماده ۷ ق.م.م به نوعی به مصادیقی از مسئولیت ناشی از عمل غیر اشاره کرده که در فرانسه تحت عنوان «مسئولیت مدنی مراقب نسبت به اعمال شخص تحت مراقبت» (La responsabilité du surveillant du fait de son surveillé) طرح شده است. در این موارد اگر سرپرست مرتکب تقصیر شود، از باب سبب اقوی از مباشر ضامن است، اما اگر مرتکب تقصیری نشود، غیرممیز طبق ماده ۱۲۱۶ ضامن است. در حقوق رم اگر شخص تحت سرپرستی خسارت وارد می کرد، زیان دیده محق به انتقام از جسم وی بود. بعداً سرپرست اختیار پیدا کرد خود خسارت را جبران یا شخص تحت سرپرستی را به زیان دیده واگذار کند که به آن دعوی «نوکسال» (Noxale) می گفتند (Lévy & Castaldo, 2002: 891).

۲. با تصویب ماده پرسش درباره قلمرو و آثار آن مطرح شد. این متن در قسمتی از قانون مدنی تحت عنوان «بلوغ و اشخاص بالغ مورد حمایت قانون» مطرح شده بود. نکته یقینی، مسئولیت مدنی فرد بزرگسال در حالت فقدان تمییز بود. اما مسئله مهم درباره اشخاص صغیر دارای اختلال روانی و همچنین صغیر غیرممیز بود که در هاله ای از ابهام باقی مانده بود (Flour et al., T2, 2001: 95). چنانکه متن فقط درباره مجنون بود نه همه اشخاص فاقد تمییز (Fabre-Magan, 2007: 176; Le Tourneau, 1998: 198).

۳.۱.۱. دکترین طرفدار تفسیر مضیق: متن استثنایی مخالف با قواعد عمومی

به اعتقاد برخی، پاسخ پرسش‌های مذکور به‌صراحت منفی است. آنها معتقدند قانون ۳ ژانویه ۱۹۶۸ متنی استثنایی است که اصل جدیدی ایجاد کرده که ارتباطی با قواعد عمومی مسئولیت مبتنی بر تقصیر ندارد و این «اختلال روانی» است و نه «تقصیر» که موردنظر ماده ۴۱۴-۳ به‌عنوان مبنای تعهد به جبران است. بنابراین نیازی به استدلال به نفع اصلاح و تغییر تعریف تقصیر و به‌ویژه زیر سؤال بردن ناسازگاری بین عدم تمییز و مقصر بودن از نظر مدنی نیست.^۱ تفسیری که ممکن است درباره ماده ۱۲۱۶ ایران نیز ارائه شود (بادینی، ۱۳۸۸: ۹۰).^۲

۳.۱.۲. دکترین طرفدار تفسیر موسع: اختصاص تقصیر «عینی»

با تفسیر موسع، برخی معتقدند قانونگذار خواسته است با پذیرفتن بی‌قیدوشرط و کامل مسئولیت دیوانه در قبال خسارات وارده تحت حالت اختلال روانی، حمایت خود را از مفهوم «عینی»^۳ تقصیر اعلام کند و در نتیجه لغو شرط قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی را خاطرنشان سازد که دلیل فقدان مسئولیت دیوانه، تا آن زمان بود. در میان این نویسندگان، عده‌ای طرفدار

۱. نویسندگان طرفدار این تحلیل به چند گروه تقسیم شدند. درحالی‌که برای برخی این فقط یک «تعهد به جبران» (obligation de réparation) ساده بر مبنای انصاف است (Fabre-Magan, 2007: 176; Malaurie, Aynes,)، از نظر دیگران، قانونگذار مورد جدیدی از مسئولیت عینی درباره خطر مبتنی بر اختلال روانی ایجاد کرده (Viney et al., 2013: 690) دکترین گاه با «ایده خطر» (L'idée de risque) (Starck, 1972: 147) و برخی با ایده «تکلیف به کمک و دستگیری» (Le devoir d'assistance) توجیه می‌کردند، با این بیان که تعهد به جبران خسارتی که بر عهده اشخاص فاقد تمییز است نه به‌جهت «مسئولیت»، بلکه به‌جهت «تکلیف به کمک و دستگیری» است که بر عهده آنهاست (Starck, 1972: 148). برخی نیز علی‌رغم عیوب نظریه تقصیر (جعفری تبار، ۱۳۹۴: ۵۹۴) بر مبنای ایده «تقصیر» (La faute) مسئولیت فاقد تمییز را توجیه می‌کنند. این استدلال که دیوانه نمی‌تواند مرتکب تقصیر شود، اما دیوانگی تقصیر است، توجیهی است که بیشتر بازی با کلمات است. اما برخی دیگر برای توجیه مسئولیت دیوانه بر مبنای تقصیر معتقدند تقصیر عبارت است از رفتاری خارج از سلوک انسان معقول و متعارف در همان شرایط و اوضاع و احوال با لحاظ اوضاع و احوال خارجی و حذف عوامل ذهنی و شخصی (صادقی و غفاری، ۱۳۹۹: ۶۱۴). با این معیار هر رفتاری که از سلوک انسان متعارف منحرف شود، تقصیر است. غیرممیز نیز اگر بسان انسان متعارف رفتار نکند، مرتکب تقصیر می‌گردد؛ ارزیابی، شخصی نیست و باید نوعی و عینی باشد. به عقیده طرفداران ارزیابی نوعی و عینی تقصیر این همان چیزی است که قانونگذار در ماده ۴۱۴-۳ دنبال آن بوده است (Starck, 1972: 149). برخی معتقدند حقوق فرانسه غیرممیز و اشخاص سالم را یکسان پنداشته و مبنای مسئولیت را تقصیر دانسته است (Delebecque, Jérôme pansier, 2016: 69) و برخی با «ایده تضمین» (L'idée de garantie) مسئولیت را توجیه می‌کنند (Starck, 1972: 150).

۲. چنانکه می‌توان گفت ماده ۱۲۱۶ بیان ساده‌ای از مسئولیت غیرممیز مبتنی بر خطر بوده و مبتنی بر تقصیر نیست و ماده دور از بحث تقصیر عینی به‌عنوان مبنای مسئولیت است. بنابراین مفهوم عینی تقصیر در قواعد عمومی موردنظر نیست و برای ارتکاب تقصیر، تمییز لازم است.

این لغو بوده و قانونگذار را به سبب ابتکار عمل خود تحسین کردند، و برخی دیگر انتقاد^۱ اما همه پذیرفتند که تصویب ماده ۴۱۴-۳ بدون تأثیر بر تعریف «تقصیر مدنی» نیست و در متن جدید رژیم خاصی برای جبران خسارات وارده تحت سیطره اختلال روانی ایجاد نشده، بلکه تصمیم گرفته شده است مجنون تابع قواعد عمومی مسئولیت، از جمله مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد.^۲ این تجزیه و تحلیل، که ماده ۴۱۴-۳ را به عنوان ماده تفسیری از متون موجود، مطرح کرده می‌طلبد از قانون جدید عواقبی نتیجه‌گیری شود که قانون صریحاً بیان نمی‌کند. به ویژه، اعتقاد به فقدان مسئولیت مدنی کودک غیر ممیز بر مبنای «تقصیر» را زیر سؤال می‌برد. همچنین این نتیجه را می‌دهد که دامنه ماده ۴۱۴-۳ فقط به خسارتی که «به دیگران وارد شده» محدود نشود، بلکه شامل مشارکت زیان‌دیده در خسارت خود نیز باشد.^۳ کاربرد رویه قضایی ماده ۴۱۴-۳ تأیید می‌کند که دیوان عالی قصد ندارد به‌طور کامل در هیچ‌کدام از دو جهت

۱. برخی معتقدند مسئولیت در ماده ۴۱۴-۳ یک «مسئولیت عینی» (responsabilité objective) یعنی مسئولیت بدون تقصیر است نه مسئولیت مبتنی بر «تقصیر عینی» (faute objective) و به این ترتیب منافع مجنون قربانی منافع زیان‌دیدگان شده است (Carbonnier, T4, 1998: 388). به نظر برخی حذف قابلیت انتساب از مسئولیت مدنی و عینی کردن تقصیر به «غیراخلاقی‌سازی» مسئولیت منتهی می‌شود، اما برخی معتقدند اخلاق دیگری جایگزین شده و آن اینکه در هر شرایطی از زیان‌دیدگان جبران خسارت شود (Flour et al., T2, 2001: 97). به نوعی اخلاق جمعی (غمامی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

۲. اعتقاد به استقلال متن و عدم ارتباط با قواعد عمومی مسئولیت برای عده‌ای قابل پذیرش نبود، زیرا سبب می‌شد برای اشخاص محروم از عقل یک مسئولیت عینی سختگیرانه تحمیل شود که نسبت به اشخاص بزرگسالی که دارای تمیزند، بسیار سختگیرانه‌تر است، زیرا اشخاص اخیر زمانی مسئول بودند که زیان‌دیده تقصیر آنها را ثابت می‌کرد، اما درباره مجنون بدون نیاز به تقصیر امکان مطالبه خسارت وجود داشت (Flour et al., T2, 2001: 95).

۳. به نظر برخی حتی با تحلیل عینی تقصیر، عواقب تفسیر گسترده و زیر سؤال بردن رابطه بین تقصیر مدنی و تقصیر کیفری اجتناب‌ناپذیر نیست. زیرا تقصیر با مفهوم عینی از تقصیر با مفهوم شخصی که مختص حقوق کیفری است جداست. کافی است پذیرفته شود قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی، عنصر تقصیر نیست، بلکه شرط ذهنی مسئولیت و خارج از فعل موکد است. از این رو ماده ۴۱۴-۳ به سادگی بر قابلیت انتساب به‌عنوان یکی از شرایط مسئولیت در قبال اشخاص خاصی اثر داشته است. بنابراین قانون به تعریف تقصیر مدنی دست نزده، بلکه به سادگی به یک نیاز جامعه‌شناختی و تاریخی پاسخ داده است که ضرورت جبران خسارت وارده تحت تأثیر اختلال روانی را با حذف یک شرط مسئولیت مدنی که قبلاً لازم بوده الزامی کرده است (Viney et al., 2013: 691). برخی معتقدند ماده مزبور تحول بزرگی در مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی به‌وجود آورده و تقصیر عینی را پذیرفته و انتساب از مسئولیت حذف شده است (Flour et al., T2, 2001: 95). باید گفت فقدان تمیز اگرچه امروزه دلیل بر فقدان مسئولیت نیست، فی‌نفسه سبب مسئولیت نمی‌شود. به عبارتی ماده ۴۱۴-۳ قاعده عمومی مندرج در ماده ۱۲۴۰ ق.م. را حذف نکرده است. مسئولیت اشخاص فاقد تمیز مانند انسان ممیز منوط به اثبات تقصیر است. رفتار غیر ممیز با انسان متعارف مقایسه می‌شود: اگر رفتار وی مغایر با انسان متعارف باشد، مقصر است. البته حذف قابلیت انتساب درباره ارزیابی تقصیر به معنای حذف آن در تقصیر توصیف شده است، مانند تقصیر عمدی نیست و در تقصیر عمدی تمیز لازم است (Flour et al., T2, 2001: 96).

پیشنهادی دکترین عمل کند و ترجیح داده است مشکلات را به صورت موردی بدون مقید بودن به یک سیستم تفسیری حل کند (Viney et al., 2013: 691).^۱

۳.۲. رویه قضایی فرانسه

وقتی رویه با مشکلات اجرای قانون روبه‌رو شد، آنها را به صورت موردی و بدون موضع‌گیری قاطعانه به نفع تفسیر موسع یا مضیق حل کرد. اما تصمیمات آن به تعریف دامنه ماده ۴۱۴-۳ کمک کرده و همچنین از مسئولیت کودکان غیرممیز جانبداری کرد (Viney et al., 2013: 691).

۴. ابهام‌های موجود در قلمرو مسئولیت در حالت اختلال روانی درباره اشخاص

اگرچه قانونگذار فرانسه به وضع مقرره‌ای در راستای مسئولیت غیرممیز همت گماشت، ابهام‌های دکترین و رویه نه تنها کم نشد، بلکه فزون‌تر شد. در حقوق ایران ماده ۱۲۱۶ ق.م.ب به مسئولیت صغیر و مجنون اشاره دارد و ابهام‌ها تا حدودی کمتر از فرانسه است. اما درباره تأثیر ماده بر مفهوم تقصیر در قواعد عمومی و نیز گسترش آن بر تقصیر زیان‌دیده غیرممیز نیازمند بررسی است.

۴.۱. اعمال بر کودکان

ماده ۴۱۴-۳ در قانون مدنی فرانسه در قسمت بزرگسالان با اختلال روانی درج شده و سؤال هست که صغیر ممیز دارای اختلال روانی، که بزرگسال نیست، مشمول قانون می‌شود یا نه. اگرچه دلیل منطقی برای اعمال رژیم متفاوت در بزرگسالان و خردسالانی که از همان اختلالات رنج می‌برند وجود نداشت، نویسندگان طرفدار تفسیر مضیق استدلال می‌کردند که با توجه به عنوان، متن قانون مربوط به بزرگسالان حمایت شده بوده و قانون به بزرگسالان ناتوان و فاقد تمیز اختصاص دارد. البته دیوان عالی از توقف در چنین استدلالی خودداری کرد.^۲

۱. تفسیرهای دکترین در فرانسه درباره ماده ۱۲۱۶ ایران نیز قابل طرح است. می‌توان گفت ماده ۱۲۱۶ ماده استثنایی درباره مسئولیت غیرممیز نیست تا استثناء مسئولیت غیرممیز را پذیرفته و اصلاً به مسئله تقصیر نپرداخته باشد. این ماده مصداقی از قاعده است؛ این قاعده که تقصیر دارای مفهومی عینی و نوعی است نه شخصی و نیازمند عنصر معنوی و اخلاقی. بنابراین از منظر قواعد عمومی مسئولیت، برای ارتکاب تقصیر نیازی به تمیز نیست، اشخاص ممیز و غیرممیز می‌توانند مرتکب تقصیر شوند.

۲. شعبه اول مدنی دیوان مورخ ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۶ تجدیدنظرخواهی علیه حکمی را که به موجب ماده ۴۱۴-۳ حکم به مسئولیت کودک هفده‌ساله داده بود که زوال عقل داشت، رد کرد (Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 20 juillet) (1976, N° de pourvoi 74-10.238) (Viney et al., 2013: 698) با این رأی گفته شد ماده ۴۱۴-۳ درباره صغیر و کبری که تحت اختلال روانی به دیگران خسارت وارد کرده‌اند، اعمال می‌شود (Flour et al., T2, 2001: 95). به نظر

پیش از ۱۹۶۸، کودک، از «سن تمییز» قادر به ارتکاب «تقصیر» بود و زیر سن تمییز، براساس قواعد عمومی مسئولیت مدنی ضمانتی نبود. به عبارتی اصل فقدان مسئولیت، گذشته از مجنون، دربارهٔ صغیر غیرممیز نیز حاکم، و تعیین سن تمییز با دادگاه بود (Starck, 1972: 143). اعتقاد بود که صغیر غیرممیز نمی‌تواند مرتکب تقصیر شود، هرچند بعداً دیوان عالی از نظر خود برگشت و اعلام کرد که صغیر غیرممیز هم مسئول است (Le Tourneau & Cadiet, 1998: 199). با وجود این، از ۱۹۶۸ رویه، به دور از قیاس بین دیوانه و کودک غیرممیز، برای احراز تقصیر کودک غیرممیز، تمییز را ضروری دانست. در واقع دیوان عالی فرصت داشته که مجدداً تأیید کند که صغیری که فراتر از «سن تمییز» رفته در مقابل اشخاص ثالث نسبت به فعل شخصی خود پاسخگو است، منوط به داشتن توانایی تمییز نتایج اعمال مقصرانه‌ای که مرتکب می‌شود (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 6 juillet 1978, N° de pourvoi 77-10.804). اما کودک غیرممیز «که قدرت تمییز او اثبات نشده»، براساس مادهٔ ۱۲۴۰ ق.م. پاسخگوی نتایج اعمال خود نیست (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 7 décembre 1977, N° de pourvoi 76-12.046). به همین ترتیب، به منظور اعلام معافیت جزئی به دلیل «تقصیر زیان‌دیده» به نفع فاعل خسارت وارد شده به کودک غیرممیز، دیوان عالی از قضات دادگاه خواسته که بررسی کنند «آیا صغیر {زیان‌دیده} توانایی تشخیص عواقب عمل مقصرانه‌ای را که {در کنار عمل خواننده} مرتکب شده داشته یا نه» (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 11 juin 1980, N° de pourvoi 79-10.569). افزون‌بر این، دکترین هرگز به‌طور جدی اعمال مستقیم مادهٔ ۴۱۴-۳ را برای کودکان غیرممیز در نظر نگرفته، زیرا این امر معنای واضح اصطلاحات ماده را منحرف می‌کند، زیرا مادهٔ مزبور دربارهٔ بزرگسالان فاقد تمییز است. بنابراین بیان شده که نمی‌توان فقدان تمییز به دلیل کمی سن را که کاملاً طبیعی است، با یک اختلال روانی برانگیزانندهٔ ایده «ناهنجاری و غیرعادی بودن» و متضمن یک «لطمه و آسیب و اختلال تصادفی» به توانایی‌های فکری، یکسان دانست (Jourdain, 2014: 76). با وجود این اگر این ماده فقط دربارهٔ شخص بزرگسال فاقد تمییز به دلیل اختلال روانی اعمال شود نه دربارهٔ صغیر غیرممیز، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که متن ماده مفهوم تقصیر را به تقصیر عینی و عاری از قابلیت انتساب و جنبهٔ ذهنی و روانی تغییر داده است. همچنین قابلیت انتساب فقط در مورد برخی افراد مسئول بزرگسالان حذف شده است، نه در مورد کودکان غیرممیز. با وجود این، با آرای در مجمع عمومی در ۹

مه ۱۹۸۴ دیوان عالی اصل مسئولیت کودک غیرممیز را پذیرفت (Cour de cassation,)
 \ (Assemblée plénière, du 9 mai 1984, N° de pourvoi 80-93.031).

۱. با وجود این اگرچه مسئولیت صغیر غیرممیز پذیرفته شده، مبنای پذیرش مسئولیت ماده ۴۱۴-۳ نیست، بلکه مبنای آن مواد ۱۲۴۰ و ۱۲۴۱ یعنی قواعد عمومی مسئولیت است (Viney, 2013: 699 Jourdain & Carval). برخی معتقدند تنها ماده درباره مسئولیت صغیر ماده ۱۳۱۰ است که با توجه به جایگاه ماده به نظر می‌رسد منظور صغیر در شرف بلوغ و بزرگسالی است نه هر صغیری. آن هم درباره جرم و شبه‌جرم‌ها در قراردادها (Carbonnier, T4, 1998: 387 ; Terré et al., 2005: 713). به نظر برخی می‌توان از ماده ۱۳۱۰ استنباط کرد که اصل عدم مسئولیت مربوط به صغیر غیرممیز است و به محض اینکه به تمیز رسید، مشمول ماده ۱۳۱۰ می‌شود و مسئول است (Weill & Terré, 1975: 684 ; v Terré et al., 2005: 713). با وجود این، آرای ۹ می ۱۹۸۴ تفکیک سستی بر مبنی تمیز و فقدان تمیز را حذف کردند (Carbonnier, T4, 1998: 387; Viney, 1995: 33). به نظر برخی راه‌حل مربوط به مجنون برای صغیر غیرممیز هم پذیرفته شد (Flour et al., T2, 2001: 96 ; Fages, 2017: 334). دادگاه‌ها با تأیید دکتین، از اینکه ماده ۴۱۴-۳ را به‌طور مستقیم درباره کودکان غیرممیز اعمال کنند، امتناع کردند. با وجود این برخی بدون ادعای اینکه بخواهند ماده را درباره خردسال غیرممیز اعمال کنند، طرفدار مسئولیت وی بودند. بسیاری تصور می‌کردند که دادگاه‌ها باید نتایج تعریف عینی از تقصیر مدنی و بدون عنصر قابلیت انتساب را استنباط کنند. به نظر می‌رسد دیوان عالی با آنها موافقت کرد. در آرا منتشره از مجمع عمومی، دیوان با اعلام اصل مسئولیت کودک غیرممیز، یک عقب‌گرد طنین‌انداز از رویه انجام داد. مرجع عالی تأیید کرد که قضات دادگاه ماهوی نیازی به تأیید اینکه آیا صغیر چنین اهلیتی نسبت به تمیز نتایج اعمال خود دارد یا ندارد (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 28 février 1996, N° de pourvoi 94-13.084). البته زمانی که کودک فاعل خسارت است، بهتر می‌توان اصل را به‌کار برد تا زمانی که کودکی که زیان‌دیده خسارت است، با فعل خود در کنار فعل خواننده در تحقق خسارت خود سهیم است، دیوان همچنین فرصت داشته که آن را در قبال مسئولیت کودک فاعل خسارت نیز تأیید کند (Cour de cassation, Chambre civile 2, du 12 décembre 1984, N° de pourvoi 82-12.627). با وجود این، زمانی که کودکی زیان‌دیده خسارت بوده، با فعل خود در کنار خواننده در تحقق خسارت خود سهیم است، دادگاه‌های ماهوی همیشه اراده جدی نشان نمی‌دهند. برخی از آنها به رویه دیوان عالی احترام گذاشته، برخی دیگر اگرچه داشته‌اند، از خود سکوت نشان می‌دهند. (Cour de Cassation, Chambre civile 1, du 7 mars 1989, N° de pourvoi 87-13.69). برخی تصمیمات دادگاه‌ها امکان تقصیر کودک غیر ممیز را انکار کرده، و تمایل دارند قابلیت انتساب معنوی و اخلاقی را برای تقصیر کودک زیان‌دیده ضروری بدانند. (Mazeaud, T2, 1978: 433). با این وجود، به نظر برخی این تعبیر کاملاً مورد تأیید قرار نگرفته جز توسط «هنری مازو» به نام منطق تعریف عینی تقصیر مدنی. به نظر برخی اصل مسئولیت کودک از نظر عملی به نظر مفید نیست: کودک غالباً معسر بوده و مسئولیت والدین جبران خسارات مؤثرتری در اختیار زیان‌دیده قرار می‌دهد. دیوان عالی اکنون به عمل خردسال که به‌طور مستقیم باعث آسیب شده حتی اگر تقصیر نباشد، برای تحقق مسئولیت محض والدین اکتفا کرده. (Cour de Cassation, Chambre civile 2, du 10 mai 2001, N° de pourvoi 99-11.287). از این رو می‌توان گفت که تقصیر (حتی عینی) از خردسال برای تعهد والدین به جبران خسارت وارده ناشی از فعل فرزندشان دیگر لازم نیست. نویسندگان، اعلام می‌دارند که محکومیت کودک غیر ممیز، غیرمنصفانه است. در نهایت اگر نگرانی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان می‌تواند مسئولیت کودک فاعل خسارت را توجیه کند، دلایل اعمال مسئولیت درباره کودکان زیان‌دیده خسارت قابل درک نیست. (Viney et al., 2013: 703; Jourdain, 2014: 76).

۴.۲. اعمال درباره تقصیر زیان دیده

اگرچه در فرانسه قانونگذار درباره مسئولیت دیوانه به عنوان یکی از مصادیق اشخاص فاقد تمیز دخالت و مقررهای وضع کرد، هنوز متن ابهام دارد: چنانچه اگر دیوانه در کنار فاعل فعل زیانبار در تحقق خسارت به خود نقش داشته باشد، آیا می توان به تقصیر زیان دیده استناد کرده و فاعل را از جبران بخشی از خسارت یا همه آن بسته به نقش دیوانه زیان دیده معاف کرد؟^۱

نتیجه

در گذر زمان حقوق فرانسه پویایی خود را با تحولات متعددی در دکترین و رویه و تقنین درباره مسئولیت شخص غیرمتمیز نشان داده است. اغراق نیست گفته شود که تحولات حقوق مسئولیت مدنی در فرانسه متأثر از همین مسئله بوده است. اگر یکی از بنیادی ترین مسائل مسئولیت مدنی بحث مفهوم و نقش تقصیر در تعهد به جبران خسارت باشد، بی شک تعیین

۱. ماده ۴۱۴-۳ فقط خسارت «وارد شده به دیگران» ناشی از فعل غیر متمیز را شامل می شود. اکنون آیا باید به نفع تفسیر مضیق نتیجه گرفت که قاعده قدیمی عدم مسئولیت فرد دیوانه هنوز هم واگذاری بخشی از مسئولیت را به عهده شخص دیوانه بر مبنای «تقصیر زیان دیده» منع می کند؟ یا باید با تأیید نویسندگان تفسیر موسع، پذیرفت که مجنون زیان دیده باید سهم خسارت ناشی از تقصیر خود را متحمل شود؟ زیرا دیوانگی دیگر با تقصیر مدنی که عاری از هرگونه مؤلفه ذهنی است، ناسازگار نیست؟ این صحیح است که اگر قانون اصل تقصیر مدنی عینی را پذیرفته است، ارزیابی آن باید برای فاعل و زیان دیده یکسان باشد. به منظور حل مسئله، به نظر برخی بدون شک باید ویژگی خاص «مسئولیت زیان دیده» را در نظر گرفت، چنانکه این مسئولیت به جبران خسارت نظر ندارد، بلکه به کاهش جبران خسارت می انجامد و می تواند به نوعی مجازات خصوصی با هدف تنبیه رفتار مقصرانه زیان دیده تجزیه و تحلیل شود. به عبارت دیگر، بحث ضمانت اجرای تقصیر زیان دیده بیشتر به سبب هدف تنبیه تقصیر زیان دیده به حقوق کیفری نزدیک تر شده و بنابراین حفظ شرط قابلیت انتساب مورد نیاز برای اعمال ضمانت اجرایی با ماهیت سرکوبگرانه، مطابق با حقوق کیفری که همچنان جنون را موجب عدم قابلیت انتساب می داند، طبیعی به نظر می رسد. دیوان عالی درباره تقصیر زیان دیده درباره کودک این راه حل را پذیرفته و مقرر کرده که اگر وی در خسارت خود نقش داشته است، مسئولیت تقسیم شود و الا آن دغدغه هست که مبادا در آینده رویه قضایی همین راه حل را درباره دیوانه هم اعمال کند. شباهت وضعیت خردسال غیرمتمیز و مجنون، مستلزم پذیرش مسئولیت مجنون به عنوان زیان دیده است. اما به نظر می رسد هر دو این راه حل ها با جهت گیری های اساسی حقوق مسئولیت مدنی ناسازگار است. افزون بر این، درباره دیوانه، متن خود وسیله ای برای جلوگیری از آن است، زیرا فقط «خسارات وارد شده به دیگران» را پوشش می دهد (Viney et al., 2013: 700)، بنابراین رویه درباره تقصیر کودک در تحقق خسارت خود نیازی به ارزیابی تمیز نمی بیند (Bacache-Gibeili, T5, 2007: 128) و در موردی که کودک غیرمتمیزی در تحقق خسارت خود نقش داشته، دیوان حکم داده که تقصیر وی بر حسب مورد اثر معاف کننده نسبت به مسئولیت فاعل به صورت جزئی یا کلی دارد (Malaurie et al., 2007: 67). با وجود این در ماده ۱۲۵۵ پروژة اصلاح قانون مسئولیت مدنی تصریح شده است «تقصیر زیان دیده محروم از تمیز دارای اثر معاف کننده نیست» (Fages, 2017: 334). همین ابهام در حقوق ایران در ماده ۱۲۱۶ مشهود است. اگرچه ماده ۱۲۱۶ مسئولیت غیرمتمیز را پذیرفته، موضوع ماده در موردی است که غیرمتمیز نقش فاعل خسارت را بازی کرده و به دیگری خسارت وارد آورده که قانونگذار برای وی مسئولیت در نظر گرفته است. اما در خصوص این مسئله سخنی به میان نیاورده است که اگر غیرمتمیز در ورود خسارت به خود نقش داشته باشد، از مسئولیت فاعل فعل زیانبار کاسته می شود یا نه؟ به نظر می رسد اگر برای تقصیر مفهومی عینی و عاری از مفهومی شخصی در نظر گرفته شود، می توان به استناد ماده ۴ ق.م.م در مواردی که غیرمتمیز در ورود خسارت به خود نقش داشته است، از مسئولیت فاعل فعل زیانبار کاست.

تکلیف مسئولیت غیرممیز و مبنای آن می‌تواند غبار ابهام را از چهره قواعد عمومی بزداید. رویه در فرانسه، اصل عدم مسئولیت را بر سر زبان‌ها انداخت، اما خود با توجه به غیرمنطقی بودن آن شروع به سست ساختن دست‌ساز خویش کرد و در مواردی مسئولیت غیرممیز را می‌پذیرفت. دکترین نیز با دستکاری در مفهوم تقصیر و پذیرش مفهوم نوعی برای تقصیر اصل عدم مسئولیت غیرممیز را بی‌اثر ساخت و مقنن هم در راستای تحول دکترینی به تحول تقنینی دست زد و مسئولیت دیوانه بزرگسال را پذیرفت. اما هنوز ابهام‌هایی در حقوق فرانسه باقی است، زیرا هنوز درباره برخی غیرممیزها مانند صغیر غیرممیز یا اشخاص مست و بی‌اراده سکوت مقنن به تردیدهای بی‌شماری دامن زده است. به عبارتی درج مقرر قانونی درباره بزرگسالان ابهام‌های زیادی را در حقوق باقی گذاشت و اصلاحات سال ۲۰۱۶ نیز به مسئله ورود نکرده است. مطالعه حقوق تعهدات فرانسه نشان می‌دهد که رویه و دکترین بی‌تمایل به حذف عنصر معنوی از تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی نیست و همین تحول نیز در حقوق ایران به تبعیت از تحولات فرانسه اقوی به نظر می‌رسد. ثمره بحث در ایران این است که ماده ۱۲۱۶ درباره خسارت ناشی از فعل مجنون و غیرممیز تصریح به ضمان دارد، اما نشان نمی‌دهد که این ضمان مبتنی بر تقصیر است یا نه. همه تحولات دکترینی مطرح در فرانسه در ایران نیز قابل تصور است. در ماده ۱۲۱۶ اگر غیرممیز به صورت اتلاف سبب خسارت شود، نیازی به تقصیر نیست و وی ضامن است. اما اگر به صورت تسبیب سبب خسارت شد، منوط به اتخاذ موضع در این مورد است؛ در صورت اعتقاد به تنافی بین عدم تمیز و تقصیر این نتیجه حاصل است که مسئولیت مبتنی بر تسبیب غیرممیز منتفی است. اما با اعتقاد به عدم تنافی بین عدم تمیز و تقصیر و اعتقاد به حذف عنصر معنوی و قابلیت انتساب از تقصیر، باید رفتار غیرممیز با انسان متعارف سنجیده شده و در صورت هماهنگی با رفتار انسان متعارف، تقصیر و مسئولیت، منتفی و در صورتی که برخلاف رفتار انسان متعارف رفتار کرده، مقصر و مسئول است. همچنین با اعتقاد به مفهوم عینی تقصیر و تسری آن به موردی که غیرممیز در کنار فاعل در ورود خسارت به خویش نقش داشته است، باید اعتقاد به تخفیف مسئولیت فاعل داشت.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع

الف) فارسی و عربی

۱. انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۳۲). *فرایدالاصول (رساله)*، تبریز: انتشارات اطلاعات.
۲. ایزانلو، محسن (۱۳۸۶). *شروط محدودکننده و ساقطکننده مسئولیت در قراردادها*، چ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۳. بادی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، چ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. ----- (۱۳۸۸). «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول و متعارف برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۰، ش ۱، ص ۹۳-۷۳. در: https://jfq.ut.ac.ir/article_20848.html (۱۸ مهر ۱۴۰۰).
۵. جعفری تبار، حسن (۱۳۹۴). «کاتوزیان و حقوق زیان. تحلیل نظریه مسئولیت مدنی و نگاه کاتوزیان به آن»، *مندرج در کتاب مجموعه مقالات بر منهج عدل*، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ص ۵۹۷-۵۹۱.
۶. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۰۹ق). *الفقه*، ج ۷۸، چ دوم، قم: دارالعلوم.
۷. حیدری، سید علی نقی (۱۳۷۱). *اصول الاستنباط*، چ سوم، قم: محلاتی.
۸. سنهوری، عبدالرزاق احمد (۱۹۹۸). *الوسیط*، ج ۱، مجلد ۲، چ سوم، بیروت لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه.
۹. شهیدی، مهدی (۱۳۴۰). *حقوق مدنی آثار قراردادها و تعهدات*، چ اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۰. صادقی، محسن؛ غفاری، امیر (۱۳۹۹) «نقد و توجیه رویکردهای تحقیقی و اقتصادی به مفهوم تقصیر در مسئولیت مدنی و آثار عملی آن در دعاوی مرتبط»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۱۱، ش ۲، ص ۶۳۸-۶۱۲. DOI: 10.22059/JCL.2020.291112.633911
۱۱. صفایی، حسین؛ حبیب‌الله رحیمی (۱۳۹۳) *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، چ بیستم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۱۲. طباطبایی بروجردی، حسین (۱۴۱۲ق). *الحاشیه علی کفایه الاصول*، ج ۲، چ اول، قم: مؤسسه انصاریان.
۱۳. قاسم‌زاده، مرتضی (۱۳۷۵). «مسئولیت مدنی شخص غیر ممیز» *دیدگاه‌های حقوقی*، ش ۲، ص ۱۲۸-۸۷. در: <http://ensani.ir/fa/article/8119> (۱۸ مهر ۱۴۰۰).
۱۴. ----- (۱۳۷۸). *مبانی مسئولیت مدنی*، چ اول، تهران: دادگستر.
۱۵. ----- (۱۳۸۸). *الزامها و مسئولیت مدنی بدون قرارداد*، چ هفتم، تهران: میزان.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). *حقوق مدنی الزامهای خارج از قرارداد ضمان قهری*، ج ۱، چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. غمامی، مجید (۱۳۸۸). *قابلیت پیش‌بینی ضرر در مسئولیت مدنی*، چ دوم، تهران: شرکت انتشار.
۱۸. محقق داماد، مصطفی (۱۳۷۹). *قواعد فقه بخش جزائی*، ج ۴، چ اول، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
۱۹. مرادزاده، حسن (۱۳۸۹). «قانون مدنی و اصل مسئولیت مدنی بیماران ذهنی»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۰، ش ۳، ص ۲۹۷-۳۱۵. در: https://jfq.ut.ac.ir/article_29520.html (۱۸ مهر ۱۴۰۰).
۲۰. موسوی الخوئی، ابوالقاسم (۱۳۹۶). *مبانی تکمله المنهاج*، ج ۲، چ دوم، چاپخانه علمیه.
۲۱. نجفی، محمدحسن (۱۳۶۵). *جواهر الکلام*، ج ۴۲، چ دوم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام*، ج ۴۳، چ ششم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۳. نقیب، عاطف (۱۹۸۴ق). *النظریه العامه للمسئولیه الناشئه عن الفعل الشخصی*، چ سوم، عویدات، دیوان المطبوعات الجامعیه.

ب) خارجی

24. Bacache-Gibeili, Mireille (2007). *Droit civil, Les obligations La responsabilité civile extracontractuelle*, T5, 1é.éd, Paris, Economica.
25. Benabant, Alain (2007). *Droit civil, Les obligations*, 11.é.éd, Librairie général de droit et de jurisprudence, Montchrestien.

26. Carbonnier, Jean (1998). *Droit civil, Les obligations*, T4, 21^e éd., Presses universitaires de France.
27. Dejean de La Bâtie, N. (1966) «Appréciation in abstracto et appréciation in concreto en droit civil français», *Revue internationale de droit comparé*, 18-1. https://www.persee.fr/doc/ridc_0035-3337_1966_num_18_1_14521. Accessed 10 October 2022
28. Delebecque, Philippe & Frédéric Jérôme pansier, (2016). *Droit des obligations Responsabilité civile délit et quasi-délit*, 7^e ed, Paris, LexisNexis.
29. Fabre-Magan, Muriel (2007). *Droit des obligations. Responsabilité civile et auasi-contrats*, 1^e éd., Presses universitaires de France.
30. Fages, Bertran (2017). *Droit des obligations*, 7^e éd. Librairie général de droit et de jurisprudence.
31. Flour, Jaaves & Jean-Luc Aubert, Eric Savaux (2001). *Droit Civil, Les Obligations*, T2, Le fait juridique, 9^e éd., sirey.
32. Jourdain, Patrice (2014). *Les principen de la responsabilité civile*, 9^e ed, Dalloz.
33. Lecourt, Arnaud (2008). *Fiches de droit des obligations. 1^e éd.* Ellipes edition marketing. S.A.
34. Jaluzot, Béatrice (2005). « Méthodologie du droit comparé: bilan et prospective », *Revue internationale de droit comparé*, Vol. 57, No. 1, pp. 29-48.
35. Jourdain, Patrice (2011). « DROIT À RÉPARATION, Responsabilité fondée sur la faute , Notion de faute : contenu commun à toutes les fautes » , *JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances, Fasc 120-10*.
36. Jourdain, Patrice (2011). " DROIT À RÉPARATION. Responsabilité fondée sur la faute . Notion de faute: contenu commun à toutes les fautes ' , *JurisClasseur Responsabilité civile et Assurances. Fasc. 120-10*.
37. Le Tourneau, Philippe, Loic Cadiet, (1998). *Droit de la responsabilité*, 1^e éd., Dalloz.
38. Lévy. Jean- Philippe & André Castaldo (2002). *Histoire du droit civil*. 1^e éd., Dalloz.
39. Malaurie, Philippe, Laurent Aynes, Philippe Stoffel-Munck (2007). *Droit civil, Les obligations*, 3^e éd., Editions juridiques associées, Défrenois.
40. Martin, Louis (1896). *Droit civil*. 1^e éd. punod et vicq Éditeurs.
41. Mazeaud, Henri & Léon, Jean (1978). *Leçons de droit civil*, T2, Volume premier, Obligations, 6^e éd., par François Chabas, Montchrestien.
42. Porchy-Simon, Stéphanie (2006). *Droit civil. Les obligations*. 4^e éd., Dalloz..
43. Starck, Boris (1972). *Droit civil, Obligations*, 1^e éd., Librairies technniques.
44. Terré, François; Philippe Simler & Yves Lequette (2005). *Droit Civil, Les Obligations*, 9^e éd., Dalloz.
45. Piret, René (1958). « La responsabilité du fait des choses inanimées en droit français et en droit belge », *Les Cahiers de droit*, Vol. 3, numéro 6. <https://www.erudit.org/en/journals/cd1/1958-v3-n6-cd5000710/1004122ar/> Accessed 10 October 2022
46. Viney, Geneviève ; Patrice, Jourdain & Suzanne Carval (2013). *Traité de Droit civil, Les conditions de la responsabilité civile*, 4 e. éd, Librairie générale de Droit et de Jurisprudence.
47. Viney, Geneviève (1995). *Traité de droit civil, Introdaction à la responsabilité*, 2^e éd., librairie générale de droit et de jurisprudence.
48. Weill, Alex & François Terré (1975). *Droit Civil, Les obligations*, 2^e ed, Dalloz.



Research Paper

Evolution of the Basis of Liability of Non-Discriminating Persons and Its Effects on the General Rules of Civil Liability in French and Iranian Law

Alireza Yazdanian*

Associate Professor of law, Department of Law, University of Isfahan, Iran

Abstract

One of the most controversial issues in the law of obligations in any legal system is the liability of non-discriminating persons. The question is whether the non-discriminating persons are responsible and if they are, whether the basis is fault or it should be sought in other theories presented. By resolving this issue, the basis of civil liability in French law and many Roman-Germanic regimes, including Iran, becomes clear. In other words, if it is determined whether the non-discriminating persons are responsible or not and whether the basis of this responsibility is fault or not, it can be better concluded in the general rules that if the basis of civil liability is fault, which of the two concepts of fault, personal and specific, is accepted as the basis of responsibility. This has been a controversial issue not only in doctrine but also in jurisprudence, to the point that the French legislature has been forced to intervene. However, despite the intervention of the French legislature, the ambiguities have not diminished but have been added. On the other hand, as it was said, this discussion and the solution of the problem has an effect on the basis of civil liability and the general rules of civil liability. Because by solving the basis of the responsibility of non-discriminating persons, the traditional or objective concept of fault becomes clear. In Iranian law, nonetheless, unlike the French, the responsibility of a non-discriminating person is specified from the beginning in Article 1216 of the Civil Code, but determining the basis of obligation in Article 1216 civil code has some effect on the concept of fault in the general rules, which in this article will be done with a comparative study. The main question of this article is whether or not in French law, non-discriminating persons are responsible and whether it is based on the theory of fault or not. In Iran, too, with regard to specifying the responsibility of a non-discriminating person, the main question is whether

Email: a.yazdanian@ase.ui.ac.ir

Received: 21 November 2021, Accepted: 8 May 2022

© University of Tehran

the meaning of this responsibility is both based on loss and causation or only on the meaning of loss, and if it means causation, whether the non-discriminating person can be guilty or not. In this article, it is assumed that the main basis of civil liability should still be sought in the theory of fault, because the theory of fault has a fundamental value. It has also been hypothesized that one of the differences between loss and causation is that, given some of the examples in civil law, the liability based on causation requires the proof of guilt. In this article, the method of library analysis has been used and by referring to authoritative French sources and focusing more on the developments of the French legal regime, materials have been collected and analyzed. In French law, despite the problems that remain after the intervention of the legislature, the doctrine seems to be inclined to accept the objective theory of fault, and to be less inclined to the personal concept of fault. It seems that in Iranian law, according to the specification of the responsibility of a non-discriminating person and in terms of the words of Article 1216, which appears to be based on causation more than on loss, Article 1216 can be applied not only in cases where both loss and causation exist, but also that the basis of liability, in the causation, is fault, and that by eliminating the subjective element of fault, Iranian law has taken a step towards accepting the objective concept of fault. On the other hand, studying the evolution of French law can be effective in the way of thinking of Iranian doctrine and practice in interpreting Article 1216, which in this article will be done by descriptive method and library analysis with comparative study.

Keywords: Fault, Discrimination, Attribution, Obligation, Responsibility.

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0003-0008-7188>



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.